



مقایسه دکترین فراستریشن و نهاد حقوقی فورس ماژور

امید شعبانی*

اصغر حاجی محمدی**

چکیده

گاهی اتفاق می‌افتد که اجرای تعهدات ناشی از قرارداد بواسطه تحقق حوادثی که خارج از حیطه اقتدار متعهد بوده است غیرممکن شود. این در حالی است که نه اخلاق و نه حقوق دستور به انجام تعهدی که غیرقابل اجراست نخواهد داد. از نظر عقلی نیز الزام متعهد به ایفاء تعهدات ناشی از قرارداد در حالی که تعهدات مذکور غیرقابل اجراست مذموم است. در باب عدم الزام متعهد به ایفاء تعهدات غیرقابل اجرا در کشورهای مختلف نظریات مختلفی ارائه شده است. دو نظریه از این نظریه‌های ارائه شده یعنی دکترین فراستریشن و فورس‌ماژور شباهت زیادی با یکدیگر دارند. دکترین فراستریشن یکی از نظریه‌های ارائه شده در حقوق کشور انگلستان می‌باشد که مبین انحلال قرارداد به دلیل ناممکن شدن ایفای تعهدات در نتیجه بروز حوادث ناگهانی و خارجی و اجتناب‌ناپذیر است. این دکترین شباهت فراوانی با فورس‌ماژور، نظریه مورد پذیرش حقوق کشور فرانسه و ایران دارد. فورس‌ماژور نیز اصطلاحاً به حالتی گفته می‌شود که متعهد قرارداد بواسطه تحقق حادثه‌ای خارجی و غیرقابل اجتناب و غیرقابل پیش‌بینی امکان ایفاء تعهدات قراردادی خود را از دست می‌دهد. در این حالت قرارداد منعقد منحل خواهد شد و در نتیجه تعهدات ناشی از آن نیز ساقط خواهد شد و متعهد برائت حاصل می‌نماید. علی‌رغم اینکه این دو نظریه وجوه اشتراک بسیاری با یکدیگر دارند، دارای وجوه افتراقی نیز هستند که ممیز این دو نظریه از یکدیگر خواهد بود. مقاله حاضر در مورد مقایسه مفهوم، شرایط تحقق و آثار استناد به این دو نظریه ارائه شده توسط حقوقدانان می‌باشد که در نهایت منجر به تفکیک این دو نظریه از یکدیگر و روشن شدن قلمرو اعمال هر یک از نظریات خواهد بود.

کلید واژه‌ها

فراستریشن، فورس‌ماژور، شرایط، معافیت متعهد از مسئولیت، انحلال قرارداد، مصادیق.

*. عضو هیات علمی گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد ورامین پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران

omid.shabani3@yahoo.com

** . عضو هیات علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

مقدمه

معاذیر قراردادی حوادثی هستند که متعاقباً پس از انعقاد قرارداد به نحو صحت با درجاتی متفاوت اجرای تعهدات ناشی از قرارداد را دشوار یا حتی ناممکن می‌سازند. این معاذیر در حقوق کشورهای مختلف با عناوین و شرایط و آثاری متفاوت مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. در حقوق کشور انگلستان در باب عدم امکان اجرای تعهد نظریه‌ای به نام فراستریشن ارائه گردیده است. این نظریه در عمده کتب حقوق قراردادهای این کشور مطرح گردیده است و نویسندگان اصولاً بابتی را به توصیف این نظریه اختصاص داده‌اند. همچنین در حقوق کشور فرانسه و ایران در باب عدم امکان اجرای تعهدات قراردادی نظریه‌ای به نام فورس ماژور ارائه شده است. در این بررسی نخست به ارائه تعریفی از دکترین فراستریشن در حقوق کشور انگلستان و قوه قاهره در حقوق ایران می‌پردازیم. سپس از شرایط مشترک و اختصاصی این دو نظریه سخن خواهیم گفت و در نهایت به آثار هر یک از نظریات خواهیم پرداخت. همان‌طور که مشاهده خواهد شد در این بررسی حقوق داخلی کشور انگلستان و ایران مورد بررسی قرار خواهد گرفت و از آنجا که اصطلاح فورس ماژور در ابتدا از کد ناپلئون اخذ شده است به بیان برخی موارد جزئی از حقوق کشور فرانسه پرداخته شده است.

۱ - مفهوم

۱-۱- تعریف دکترین فراستریشن

از نظر لغوی واژه «فراستریشن»^۱ در زبان انگلیسی به معنای عقیم‌شدن، ناکامی، بی‌اثر شدن و خنثی ماندن و ناممکن شدن استفاده شده است.^(۱) ولیکن در حقوق کشور انگلستان واژه مزبور اصطلاحاً منصرف است به دکترینی^۲ خاص که از سال ۱۸۶۳ به بعد در عرصه حقوق کشور انگلستان مطرح گردید. بدین توضیح که هرگاه پس از انعقاد قرارداد به نحو صحت، حادثه‌ای رخ دهد که بدون دخالت طرفین قرارداد، اجرای آن به‌طور دائمی ناممکن گردد قرارداد موصوف عنوان Frustrated می‌یابد. بدین معنا که با اجتماع شرایط و تحقق این عنوان قرارداد منعقد منحل گردیده و متعهدین قرارداد از اجرای سایر تعهدات آن بری می‌گردند. رویه قضایی مرتبط با این نظریه مستقل حقوقی در طول تکامل خود با فراز و نشیب‌های فراوان روبرو گردیده است. در ابتدا دکترین مذکور صرفاً در مورد قراردادهای دریایی بکار می‌رفت و در مورد سایر قراردادها اعمال نمی‌گردید. لیکن بواسطه رشد و توسعه علم حقوق امروزه این نهاد از انحصار قراردادهای دریایی خارج گردیده است و حتی بر قراردادهایی که بواسطه رخ دادن حوادث ناگهانی قابلیت اجرای خود را از دست داده‌اند نیز اعمال می‌شود. قبل از سال ۱۸۶۳ متعاقد قرارداد به هر نحوی ملزم به ایفاء تعهدات ناشی از قرارداد بود و نمی‌توانست صرفاً به دلیل عدم امکان اجرای لاحق

1- Frustration
2- Doctrine

تعهدات قراردادی از ایفاء تعهدات خود سرباز زند و اگر امکان ایفاء تعهدات وجود نداشت مشارالیه ملزم به پرداخت خسارت می‌بود. فی‌المثل می‌توان به موردی اشاره نمود که خواهان پرونده از خوانده به‌عنوان اخذ اجاره‌بها شکایت نمود. موضوع از این قرار بود که یک شاهزاده که دشمن پادشاه بود با سپاهش به املاک خوانده حمله نمود و از وی خلع ید نمود، به‌طوری که مشارالیه دیگر قادر بر انتفاع نبود. خوانده مذکور در دفاع از خود به خاطر نپرداختن اجاره‌بها بیان نمود که بواسطه حادثه غیرقابل کنترلی نتوانسته است از چیزی که اجاره نموده است منفعت کسب نماید و متعاقب این دفاع به دلایلی که بیان گردید دادگاه این دفاعیه را مبنی بر عدم پرداخت اجاره‌بها نپذیرفت. این رویه ناعادلانه در کشور انگلستان تا مطرح شدن پرونده‌ای^(۲) در سال ۱۸۶۳ ادامه داشت. در این سال قضاات به استناد شرط ضمنی^۱ مندرج در قرارداد، آن را منحل دانسته و طرفین را از انجام تعهدات خود بری دانستند. علی‌ای‌حال امروزه محدوده اعمال دکترین در کشور انگلستان به دلایلی رو به تضییق نهاده است که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- عدم رغبت محاکم برای اجازه دادن به متعاقبین برای استناد به این نهاد حقوقی به دلیل فرار از معامله نامناسب

۲- تمایل تجار برای پیش‌بینی فراست‌ریشن بوسیله درج شروط صریح.

بسته شدن کانال سوئز به سال ۱۹۶۷ و همچنین بحران انرژی در سال ۱۹۷۳ و جنگ بین کشورهای ایران و عراق به سال ۱۹۸۰ نیز از مواردی بودند که دکترین در مورد پرونده‌های آنها کاربرد زیادی داشت. به هر حال امروزه با توجه به حقوق کشور انگلستان باید اذعان نمود که عرصه اعمال دکترین مشخص می‌باشد و نمی‌توان بر دایره اعمال آن موردی را افزود. از آنجا که تقریباً در تمامی کتب حقوقی مرتبط با حقوق قرارداد کشور انگلستان بابی به این دکترین اختصاص یافته است ذیلاً به تعاریف ارائه شده توسط برخی از مؤلفین و قضاات این کشور از این دکترین اشاره می‌نمایم:

یکی از مؤلفین^۲ برجسته کشور انگلستان در کتاب خود در تعریف این دکترین بیان می‌دارد:

«خاتمه پیش از موعد قراردادی است که قانوناً منعقد شده و بواسطه حدوث رخدادی، اجرا با مشکل مواجه می‌گردد یا اوضاع و احوال چنان تغییر می‌کند که اجرای قرارداد به گونه‌ای متفاوت از آن چیزی است که متعاقبین هنگام انعقاد آن مدنظر داشته‌اند»^(۳)

لرد رایت^۳ یکی از قضاات کشور انگلستان نیز در مورد یک دعوی در مورد دکترین چنین می‌گوید:

«به نظر من قرارداد نسبت به آینده به‌طور قهری خاتمه می‌یابد، چرا که در این زمان اجرای قرارداد به دلیل شرایطی که نمی‌توان هیچ مسئولیتی از برای نقض قرارداد برای متعاقبین قائل شد، ناممکن گردیده است»^(۴)

در کتاب دیگری نیز مؤلف دکترین را اینگونه تعریف می‌کند:

1- Implied Term
2- Treitel
3- Lord Wright

«به مواردی اطلاق می‌گردد که اجرای آتی قرارداد از نظر مادی یا قانونی به علت انتفاء ارزش تجاری ناممکن گردد»^(۵)

همچنین در کتابی دیگر بیان گردیده است:

«خاتمه پیش از موعد قرارداد به دلیل حدوث شرایطی است که اجرای آن را ناممکن می‌سازد و یا اینکه حداقل آن را به گونه‌ای متفاوت با آنچه که مدنظر متعاقدين بوده است می‌نماید که در چنین شرایطی التزام متعاقدين به چنین قراردادی نامعقول می‌باشد»^(۶)

با توجه به تعاریف ارائه شده توسط حقوقدانان انگلیسی به نظر می‌رسد بتوان دکتربین را اینگونه تعریف نمود: پس از انعقاد قرارداد، اجرای آن در نتیجه بروز و حدوث عواملی که قابلیت انتساب به متعهد را ندارند و در عین حال مقاومت ناپذیر هستند، از لحاظ شخصی یا اعتباری یا صرفاً به دلیل انتفاء هدف اساسی متعاقدين بی‌فایده یا متعذر گردد.

۱-۲- تعریف فورس ماژور

فورس ماژور^۱ در زبان فارسی به قوه‌قاهره یا قوه‌قهریه ترجمه شده است. در فرهنگ لغت نیز قوه‌قهریه به معنای زور و قدرت آمده است.^(۷) و اما در معنای اصطلاحی بدین‌گونه تعبیر شده است:

«آنچه قابل پیش‌بینی نبوده و قابل اجتناب نیز نباشد و متعهد را در حالت عدم قدرت بر اجرای تعهد خویش قرار دهد و یا موجب معافیت کسی که به علت عدم توانایی خسارتی به متعهدله خود یا متضرر دیگری وارد کرده است گردد. مانند حریق که بدون عمد و تخطی صاحب کارخانه در کارخانه اتفاق افتد و در نتیجه او نتواند سفارشات را که قبول کرده به انجام رساند»^(۸)

به نظر می‌رسد این اصطلاح نخست در قانون مدنی فرانسه بکار رفته است و سپس در سایر کشورها معمول شده است به نحوی که حتی در کشورهای انگلیسی زبان نیز به کار می‌رود.^(۹)

فورس ماژور دارای دو معنای عام و خاص می‌باشد. بدین معنا که فورس ماژور یا قوه‌قاهره در معنای عام عبارتست از هر حادثه خارجی، غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب که مانع اجرای تعهد باشد. ولیکن فورس ماژور در معنای خاص حادثه‌ای است بی‌نام، غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب. توضیح اینکه فورس ماژور در معنای خاص خود صرفاً ناشی از نیروهای طبیعی بوده و منتسب به شخص معینی نمی‌باشد. این در حالی است که فورس ماژور در معنای عام خود شامل افعال شخص ثالث و فعل متعهدله که مانع اجرای تعهد باشد نیز خواهد بود.^(۱۰)

نکته‌ای که بیان آن در اینجا لازم به نظر می‌رسد این است که برخی از حقوقدانان بین فورس ماژور و حادثه غیرمترقبه یا ناگهانی تفاوت قائل شده‌اند بدین توضیح که حادثه غیرمترقبه حادثه‌ای درونی است و

وابسته به فعالیت متعهد یا بنگاه او مانند اعتصاب کارگران در حالی که فورس ماژور بیانگر حادثه‌های بیرونی است مانند حوادث طبیعی سیل و زلزله.^(۱۱)

البته اکثر حقوقدانان این دو عنوان را یکسان دانسته و بجای هم بکار می‌برند.^(۱۲) امروزه در رویه قضایی کشور فرانسه نیز این دو عنوان به‌طور مترادف بکار می‌روند.^(۱۳)

همانطور که بیان گردید این عنوان بدو از کشور فرانسه به سایر کشورها راه یافته است و امروزه در کشورهای انگلیسی زبان نیز از فورس ماژور در کتب حقوقی خود استفاده می‌نمایند. یکی از این مؤلفین فورس ماژور را اینگونه تعریف می‌نماید:

«یک نیروی فائق. یک حادثه که به‌طور کلی نه قابلیت پیش‌بینی را دارد نه قابل کنترل است مانند یک اعتصاب صنعتی که منجر به از دست دادن منافی شود. اوضاع و احوال باید غیرعادی و غیرقابل پیش‌بینی باشد به نحوی که از طریق مراقبت‌های عادی نتایج آن غیرقابل اجتناب باشد.»^(۱۴)

همچنین در کتابی دیگر از فورس ماژور اینگونه یاد شده است:

«فرانسه. شرایط دور از انتظار مثل جنگ که شخص را از نگهداری قولش یا ایفاء و انجام قرار داد معاف می‌کند.»^(۱۵)

با توجه به مطالب بیان شده علی‌الظاهر دکتربین فراستریشن شباهت بسیار زیادی با فورس ماژور یا قوه قاهره دارد که تشخیص وجوه افتراق آنها بدون بررسی همه جانبه شرایط تحقق هریک و همچنین آثار هریک در صورت اعمال ممکن نخواهد بود. به همین جهت پس از تعریف هریک از نهادهای مذکور به بررسی شرایط تحقق هریک از این دو عنوان خواهیم پرداخت تا تفاوت‌های این دو نهاد از نظر حقوقی روشن گردد.

۲- شرایط تحقق نظریه فراستریشن و فورس ماژور

برای تحقق دکتربین فراستریشن به‌طور کلی ۴ رکن یا شرط لازم است به نحوی که اگر هریک از این شرایط محقق نشود دکتربین فراستریشن اعمال نخواهد شد و در نتیجه قرارداد عقیم نمی‌شود و طرفین کماکان ملزم به اجرای آن خواهند بود. شرایط مذکور عبارتند از:

۱- وقوع تعذر^(۱۶)

۲- خارجی بودن تعذر^(۱۷)

۳- اجتناب‌ناپذیر بودن تعذر^(۱۸)

۴- غیرقابل پیش‌بینی بودن تعذر^(۱۹)

در بین شرایط فوق رخداد تعذر اولین و مهم‌ترین علت ناممکن شدن اجراست و این در حالی است که سه رکن دیگر اوصاف این علت را تشکیل می‌دهند.

فورس ماژور نیز برای تحقق نیازمند ارکانی است که ذیلاً بدانها اشاره می‌شود:

۱- حادثه باید غیرقابل اجتناب باشد.

۲- حادثه باید غیرقابل پیش‌بینی باشد.

۳- حادثه باید خارجی باشد.

همانطور که مشاهده می‌گردد سه رکن از چهار رکن دکتربین فراستریشن تشکیل‌دهندهٔ ارکان سه‌گانهٔ فورس‌ماژور هستند. یکی از تفاوت‌های موجود بین دکتربین فراستریشن و فورس‌ماژور در همین تعداد شروط و ارکان لازم جهت تحقق هریک از آنها می‌باشد. بدین توضیح که برای تحقق قوه قاهره اجتماع شرایط سه‌گانه فوق الزامی است که در صورت اجتماع شرایط مندرج در بالا باعث ایجاد اثری مستقیم نسبت به قرارداد می‌گردند که همان متعذرشدن اجرای قرارداد است. پس تحقق تعذر اثر قوه قاهره است، لیکن جزء شروط تحقق آن نمی‌باشد ولی در دکتربین فراستریشن، تحقق تعذر شرط تحقق دکتربین است یعنی در ابتدا تعذر محقق می‌شود و سپس در نتیجهٔ آن اثری ایجاد می‌گردد که همان عقیم شدن قرارداد است.

با توجه به مطالب فوق ما در ابتدا به بررسی شرط اختصاصی دکتربین یا همان وقوع تعذر می‌پردازیم، و سپس به سه شرط مشترک بین هر دو نهاد خواهیم پرداخت.

۲-۱- وقوع تعذر (رکن اختصاصی دکتربین فراستریشن)

اصلی‌ترین رکن عقیم شدن قراردادها رخداد نوعی تعذر است و شرایط سه‌گانه بعدی توصیف این رکن می‌باشند. تعذر مفهومی عام است و شامل صور و انواع مختلفی است. با توجه به تقسیمات گوناگون از تعذر به بیان اجمالی و تأثیر هریک از آنها بر قرارداد در حقوق انگلستان خواهیم پرداخت.

تعذر اصلی: به تعذری اطلاق می‌گردد که به هنگام انعقاد قرارداد وجود دارد. از این نوع تعذر به تعذر بدوی نیز یاد کرده‌اند. در حقوق کشور انگلستان در صورت تحقق تعذر بدوی دو فرض جداگانه از یکدیگر تفکیک خواهند شد. بدین توضیح که اگر طرفین قرارداد بر عدم امکان اجرای قرارداد آگاهی داشته باشند متعهد مسوول عدم اجرای تعهدات خود خواهد بود چرا که مشارالیه با اطلاع از عدم امکان اجرا تعهدی مطلق را برعهده گرفته است. این در حالی است که اگر مشارالیه جاهل بر عدم امکان اجرای قرارداد باشد قرارداد مذکور باطل است.^(۲۰)

تعذر طاری: در این فرض پس از انعقاد قرارداد اجرای قرارداد بواسطه حدوث حوادثی که قابلیت انتساب به متعاقدين را نداشته است ناممکن می‌گردد. از این تعذر به تعذر آتی نیز یاد شده است. تعذر آتی در حقوق انگلستان مجرای اعمال دکتربین فراستریشن است بدین معنا که در صورت تحقق تعذر طاری رکن اول دکتربین فراستریشن تأمین شده و قرارداد عقیم خواهد شد.^(۲۱)

تعذر دائمی: به تعذری گفته می‌شود که عدم امکان اجرای تعهدات دائمی و همیشگی باشد. در این فرض نیز در حقوق کشور انگلستان قرارداد به جهت اعمال دکتربین عقیم می‌شود.

تعذر موقتی: در این فرض عدم امکان اجرا برای دوره محدودی از زمان می‌باشد و پس از آن امکان ایفاء تعهد وجود دارد. در حقوق کشور انگلستان وقوع این تعذر موجب انحلال قرارداد نمی‌گردد مگر اینکه منظور طرفین از اجرای قرارداد بهنگام انعقاد آن به طور اساسی متأثر گردد.^(۳۲)

تعذر مطلق: بدین معناست که علاوه بر متعهد ثالث و متعهدله هم قادر به اجرای تعهدات نخواهند بود. **تعذر نسبی:** در این نوع تعذر عدم امکان اجرا صرفاً توسط متعهد ناممکن می‌گردد.

در حقوق انگلستان در صورتی که تعذر نسبی باشد از آنجا که سایرین کماکان توانایی اجرای تعهدات را دارند، متعهد مسئول اجرای تعهد باقی خواهد ماند.^(۳۳)

تعذر واقعی: در این نوع تعذر اجرای قرارداد از نظر فیزیکی و مادی ناممکن می‌شود.^(۳۴)

تعذر اعتباری: در این نوع تعذر اجرای قرارداد از نظر فیزیکی و مادی ممکن است ولیکن قانون‌گذار اجازه اجرای قرارداد را نمی‌دهد.^(۳۵)

در هر دو نوع تعذر فوق یعنی واقعی و اعتباری حقوقدانان انگلیسی دکترین فراستریشن را بکار خواهند بست.

۲-۲- خارجی بودن حادثه یا تعذر (رکن مشترک بین دکترین فراستریشن و فورس‌ماژور)
خارجی بودن حادثه بدان معناست که تعذر حادث شده نباید در نتیجه اقدام خود متعهد باشد^۱ همچنین علتی که موجب ناممکن شدن اجرای قرارداد و عدم ایفاء تعهدات ناشی از آن می‌گردد نباید قابلیت استناد به متعهد را داشته باشد در غیر این صورت متعهد کماکان مسئول عدم اجرای قرارداد خواهد بود و مسئولیت وی در این رابطه زایل نخواهد گردید و قابلیت استناد به دکترین فراستریشن از وی سلب خواهد شد. و اما در تعبیر خارجی بودن حادثه که معمولاً یکی از ارکان قوه قاهره را نیز تشکیل می‌دهد تاکنون دو نظر ابراز گردیده است:

۱- حادثه باید خارج از قلمرو فعالیت متعهد و انتفاع وی باشد

۲- حادثه باید خارج از اراده و کنترل متعهد باشد به گونه‌ای که نتوان حادثه را به عمد یا تقصیر مشارالیه منتسب نمود.^(۳۶)

در توضیح گروه اول باید بیان نمود که ملاک سنجش خارجی بودن حادثه عدم ارتباط حادثه با متعهد است. در هر جا که حادثه مرتبط با متعهد یا فعالیت‌های او باشد حادثه مذکور نسبت به وی خارجی نبوده و از مصادیق قوه قاهره نیز نمی‌باشد. مشاهده می‌شود در صورت پذیرش چنین دیدگاهی اعتصاب از آنجا که در حوزه فعالیت و محدوده موسسه متعهد رخ می‌دهد، مصداق فورس‌ماژور تلقی نخواهد شد.

لیکن در صورت اتخاذ دیدگاه دوم نتیجه متفاوت خواهد بود بدین معنا که صرف اینکه حادثه مرتبط به متعهد و قلمرو فعالیت وی بوده است از تحقق قوه قاهره جلوگیری نخواهد نمود در نتیجه در مثال فوق اعتصاب از مصادیق قوه قاهره خواهد بود.

باتوجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد خارجی بودن حادثه عنصر مهمی نباشد و آنچه ملاک تحقق تعذر در دکترین و رکن خارجی بودن فورس ماژور می‌باشد خارجی بودن حادثه از حیثه اقتدار شخص متعهد است.^(۲۷) به عبارت دیگر مهم این است که حادثه قابل انتساب به متعهد نباشد.^(۲۸)

۲-۳- اجتناب‌ناپذیر بودن حادثه یا تعذر (رکن مشترک بین دکترین فراستریشن و فورس ماژور)

بدین توضیح که حادثه یا تعذر باید حادثه‌ای دفع‌نشدنی و غیرقابل مقاومت باشد و نتوان در مقابلش ایستادگی نمود.^(۲۹)

اگر متعهد قرارداد با فرض توانایی وی در جلوگیری از وقوع حادثه مذکور اقدامی انجام نداده و مانع تحقق حادثه نگردد مشارالیه کماکان مسئول عدم اجرای قرارداد باقی خواهد ماند چرا که در انجام تعهد خود مرتکب تقصیر شده است.^(۳۰)

اجرای قرارداد تا جایی که امکان دارد الزامی است و غیرقابل دفع و اجتناب بودن وقتی مؤثر است که در مورد همه صدق کند زیرا اگر اجرای قرارداد فقط برای خواننده غیرممکن گردد او مکلف است دیگری را به جای خود برای اجرای قرارداد تعیین کند.^(۳۱)

در حقوق کشورهای انگلیسی زبان شرطی مجزا به‌عنوان اجتناب‌ناپذیر بودن در عرصه اعمال دکترین فراستریشن مقرر نگردیده است لیکن به‌طور واضحی امکان استفاده از دکترین فراستریشن در موردی که امکان دفع مانع وجود داشته است نفی گردیده است.^(۳۲)

در حقوق کشور انگلستان شخص متعهد باید تمامی تلاش خود را برای جلوگیری از عقیم شدن قرارداد بکار بندد و در نتیجه اگر مانع به گونه‌ای باشد که شخص متعهد می‌توانسته است از آن پرهیز نماید لیکن پرهیز ننموده است، کماکان مسئول عدم اجرای قرارداد باقی خواهد ماند.

در یک پرونده به موجب قرارداد CIF^۱ فروشندگان ایتالیایی متعهد شده بودند کالای موضوع قرارداد را در خلال ماه‌های نوامبر و اکتبر ۱۹۵۱ از سیسیل ایتالیا به بندر گلاسکو در انگلستان حمل کنند. در تاریخ ۲۰ اکتبر ۱۹۵۱، قانون‌گذار ایتالیا محدودیت‌هایی را برای صادرات برخی از کالاها وضع نمود به گونه‌ای که حمل کالای موضوع قرارداد که باید ظرف ۲ ماه صورت می‌گرفت به یک ماه تقلیل یافت. فروشندگان در مورد حمل کالای موضوع قرارداد ظرف مدت یک ماه تعلل نمودند و در نتیجه، ممنوعیت پس از گذشتن مهلت یک ماهه شامل قرارداد گردید. قضات پرونده مذکور حکم به پرداخت خسارت به

1- Cost, Insurance, Freight

خریداران دادند چرا که معتقد بودند امکان احتراز از شمول مقررات وضع شده وجود داشته و فروشندگان توانایی ایفاء تعهدات را ظرف یکماه داشته‌اند.^(۳۳)

همچنین بیان شده است در فرضی که متعهد می‌توانسته با زیاد کردن دستمزد مانع بروز اعتصاب گردد لیکن از این امر سر باز زده است، مشارالیه کماکان مسئول باقی می‌ماند.^(۳۴)

۲-۴- غیر قابل پیش‌بینی بودن حادثه یا تعذر (رکن مشترک بین دکترین فراستریشن و فورس‌ماژور)

این شرط بدان معناست که عارض شدن حادثه در عرف غیر قابل پیش‌بینی باشد. امروزه در حقوق کشور فرانسه در باب شرط دانستن «غیرقابل پیش‌بینی بودن» در تحقق فورس‌ماژور تردیدهایی به وجود آمده است. بدین معنا که رویه قضایی مذکور در مورد پیش‌بینی حادثه انعطاف بیشتری نشان می‌دهند. به گونه‌ای که در تعدادی از آراء این کشور قضات اهمیت چندانی به قابل پیش‌بینی بودن یا غیرقابل پیش‌بینی بودن حادثه فورس‌ماژور نداده‌اند و شرط مذکور را فاقد اهمیت دانسته‌اند.^(۳۵)

حادثه‌ای غیر قابل پیش‌بینی تلقی می‌شود که علت خاصی برای تصور پیش آمدنش موردنظر نیست و وقوع آن غیرعادی، ناگهانی و نادر باشد و بدین معنا نیست که حادثه قبلاً هیچگاه واقع نشده باشد.^(۳۶)

و اما در باب دکترین فراستریشن در حقوق انگلستان اشاره شده است که اگر متعاقبین بهنگام انعقاد قرارداد بروز حادثه را پیش‌بینی نمایند دکترین فراستریشن ممکن است اعمال شود.

در پرونده‌ای که در سال ۱۹۱۸ مطرح گردید یک شرکت انگلیسی در مقابل شرکت آلمانی متعهد به تحویل سنگ معدن مس درخلال سالهای ۱۹۱۱ الی ۱۹۱۹ بود. پس از بروز جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ که آلمان و انگلیس در دو طرف آن قرار داشتند نظر بر عقیم شدن قرارداد داده شد هر چند در قرارداد مذکور پیش‌بینی شده بود که در صورت بروز جنگ قرارداد مذکور صرفاً معلق خواهد شد. استدلال قضات این بود که چنین تعلیقی مصداق تجارت با دشمن خواهد بود و در نتیجه مغایر با نظم عمومی می‌باشد.^(۳۷)

در مقابل گروهی نیز اعتقاد دارند که صرف اینکه حادثه بهنگام انعقاد قرارداد پیش‌بینی شده است مانع اعمال دکترین نخواهد بود و حادثه و پیش‌بینی آن در صورتی مانع اعمال دکترین می‌گردد که متعاقبین در این باب شرطی در قرارداد ذکر کرده باشند.^(۳۸) گروه اخیر در اکثریت قرار دارند.^(۳۹)

بطور کلی می‌توان گفت که در حقوق انگلستان صرف امکان پیش‌بینی حادثه نمی‌تواند مانع اعمال دکترین عقیم شدن قراردادها گردد و ممکن نبودن پیش‌بینی حادثه جزء شرایط و ارکان اعمال دکترین فراستریشن نمی‌باشد.

۳- آثار دکترین فراستریشن و فورس ماژور

هنگامی که قوه قاهره حادث می‌گردد، باعث می‌شود که متعهد نتواند به ایفاء تعهد خود بپردازد، بروز قوه قاهره اثراتی در پی دارد از آن جمله است که با بروز حادثه تقصیر متعهد منتفی می‌شود و در نتیجه عدم وجود تقصیر، رابطه سببیت بین تحقق ضرر و فاعل فعل زیانبار (متعهد) قطع می‌شود. در نتیجه قطع رابطه سببیت، متعهد مسئولیتی در عدم اجرای تعهد نخواهد داشت. از طرفی تحقق قوه قاهره به صورت مطلق با تأثیر بر ساختار عقد باعث عدم اجرا و در نتیجه انحلال عقد می‌گردد.

پس به‌طور کلی می‌توان اثر قوه قاهره را دو چیز دانست:

۱- زوال رابطه سببیت و در نتیجه عدم مسئولیت متعهد

۲- عدم اجرای تعهد که باعث انحلال عقد می‌گردد

نکته قابل توجه این امر است که اگر تعهد با تأخیر یا بطور نامطلوب ایفاء شود متعهد مسئول جبران خسارت باقی خواهد ماند چرا که مرتکب گونه‌ای از تقصیر شده است و این در حالی است که تقصیر و عنوان قوه قاهره با یکدیگر جمع نمی‌شوند.

۳-۱- معافیت متعهد از مسئولیت

هر شخصی که تعهدی را بر عهده می‌گیرد باید آن را ایفاء نماید و اگر تعهد خود را ایفاء ننماید و عهدشکنی نماید ملزم به جبران خسارت وارده خواهد شد، لیکن همانطور که بیان شد اگر عدم ایفاء تعهدات ناشی از قوه قاهره باشد، مشارالیه مسئولیتی من باب عدم ایفاء تعهد نخواهد داشت.^(۴۰) فورس ماژور علی‌الاصول به‌عنوان یک دفاع مطرح می‌گردد.

و اما در حقوق کشور انگلستان در باب اعمال دکترین فراستریشن و آثار آن بیان شده است که اصلی‌ترین اثر آن منحل نمودن قرارداد است و در نتیجه انحلال قرارداد متعهد از مسئولیت معاف خواهد شد. برخی از حقوقدانان انگلیسی با چنین نتیجه‌ای بطور مطلق موافق نیستند. چنانکه چسایر^۱ از این نکته انتقاد می‌نماید و می‌گوید: تحقق فراستریشن شاید صرفاً یک دفاع محض باشد و نیازی به انحلال عقد بواسطه تحقق فراستریشن نباشد. فی‌المثل می‌توان از قراردادهای بلندمدت استخدامی نام برد که با توقیف مستخدم به کارفرما حق فسخ اعطا می‌نماید و نتیجتاً مشارالیه اعتقادی به انحلال قهری قرارداد در این مورد ندارد.^(۴۱) در حقوق کشور انگلستان معافیت متعهد از ایفاء تعهدات در نتیجه انحلال قرارداد است و نیازی به استناد متعاقدين به انحلال قرارداد و معافیت متعهد از مسئولیت نمی‌باشد. به‌طور مثال می‌توان به پرونده‌ای موسوم به فیروزا^(۴۲) اشاره نمود که در آن فقدان هرگونه جبران خسارت و مسئولیت را شرط تحقق دکترین فراستریشن می‌داند.

این استدلال موید این امر است که اگر متعهد مرتکب نقض قرارداد شده باشد و تقصیر وی محرز باشد مسئول جبران خسارت است و در نتیجه نمی‌تواند به دکتین یاد شده استناد جوید. لیکن اگر شرایط استناد به دکتین جمع باشد کسی حق مطالبه خسارات را نخواهد داشت.^(۴۳)

۳-۲- تعلیق اجرای قرارداد

بدین توضیح که اگر تعذر محقق شده دائمی نبوده بلکه موقتی باشد دکتین اعمال نشده و قرارداد عقیم نمی‌شود بلکه حداکثر تعذر موقتی موجب تعلیق اجرای قرارداد می‌گردد.

همچنین در فورس‌ماژور در جایی که قوه قاهره اجرای قرارداد را ناممکن می‌سازد، متعهد از اجرای آن و جبران خساراتی که به طرف او می‌رسد معاف می‌شود ولی گاهی قوه قاهره اجرای تعهد را به‌طور کامل غیرممکن نمی‌سازد و فقط آن را به تأخیر می‌اندازد تنها خسارت ناشی از تأخیر نادیده گرفته می‌شود و اصل التزام، که هنوز برای طلب‌کار مفید است، بر عهده بدهکار باقی می‌ماند. به همین جهت می‌گویند قوه قاهره در چنین وضعیتی به قرارداد پایان نمی‌دهد، بلکه اجرای آن را معلق می‌کند مشروط بر اینکه اجرای آن فایده خود را حفظ کرده و اجرای آن با اراده طرفین منطبق باشد.^(۴۴)

ذکر این نکته لازم به‌نظر می‌رسد که در صورت تعلیق قرارداد به علت فورس‌ماژور، متعهد مسئول خسارات ناشی از عدم اجرا یا تأخیر اجرا در مدت تعلیق نخواهد بود.^(۴۵)

۳-۳- انحلال قرارداد

همانطور که بیان گردید یکی از آثار دکتین فراستریشن انحلال قرارداد است. در مواردی که فورس‌ماژور باعث گردد ایفاء قرارداد ناممکن شود، جایی برای اجرای قرارداد باقی نمی‌ماند و تعهد متعهد ساقط شده و قرارداد نیز خاتمه خواهد یافت. این در حالی است که دکتین فراستریشن همواره چنین نتیجه‌ای دربر نخواهد داشت بدین معنا که با تفاوت نوع تعذر محقق شده، اثرات مختلفی نیز به بار خواهد آمد.

با توجه به مطالب بیان شده باید اذعان نمود که در فرضی که تعذر حادث شده دائمی یا مطلق باشد موجب انحلال قهری قرارداد خواهد شد ولی اگر تعذر حادث شده موقتی باشد اجرای قرارداد معلق خواهد شد. در تمامی مواردی که تحقق تعذر منجر به انحلال قهری قرارداد می‌گردد متعهد مسئول عدم اجرا نخواهد بود، چه تقصیری مرتکب نشده است. بدین توضیح که قرارداد خود به خود از بین می‌رود و تعهدات ناشی از آن نیز ساقط می‌شود بدون اینکه نیازمند انجام ایقاعی به‌نام فسخ از طرف متعهد یا دادگاه باشیم. در حقوق کشور انگلستان تأکید می‌شود هنگامی که اجرای تعهد ممکن نیست، متعهد از مسئولیت بری می‌گردد و عواقب این امر به طلب‌کار تحمیل می‌گردد. انحلال قهری قرارداد در گذشته اثری نداشته بلکه اثر انحلال قهری نسبت به آینده است.

با توجه به مطالب بیان شده باید گفت دکتربین فراستریشن به قرارداد خاتمه می‌دهد بدون اینکه هیچ یک از طرفین حق انتخابی داشته باشند و باعث می‌شود بدون اینکه نیازمند هیچ گونه اقدامی باشند از اجرای آتی قرارداد معاف شوند.^(۴۶) در توضیح این مطلب یکی از قضات انگلیسی^۱ بیان می‌کند: «به اعتقاد من قرارداد به‌طور خودکار نسبت به آینده خاتمه می‌یابد...»^(۴۷)

لرد سایمون^۲ یکی دیگر از قضات کشور انگلستان در این باره می‌گوید: «وقتی عقیم شدن قرارداد به معنای حقوقی آن رخ دهد مفهوم آن تنها ایجاد یک وسیله دفاعی برای یکی از طرفین در مقابل دیگری که اقامه دعوا کرده نیست بلکه عقیم شدن خود قرارداد را منتفی می‌سازد و آن را از بین می‌برد و تعهدات طرفین نیز خود به خود ساقط می‌شوند.»^(۴۸)

این نکته مورد انتقاد برخی از نویسندگان حقوقی انگلستان قرار گرفته است چرا که ایشان معتقدند در برخی موارد تحقق تعذر موجب انحلال قرارداد نمی‌شود و حکم اولی اعطاء حق فسخ است نه انحلال قهری.^(۴۹)

به‌طور کلی باید گفت علی‌الاصول در حقوق انگلستان حقوقدانان اعتقاد دارند که دکتربین علی‌الاصول موجب انفساخ و انحلال قهری قرارداد خواهد شد لیکن برخی از حقوقدانان این کشور اعطای حق فسخ را دور از ذهن ندانسته‌اند و در برخی موارد این امکان را مطرح می‌نمایند مانند قراردادهای استخدامی بلندمدت یا با مدت نامعین که در آنها مستخدم توقیف می‌گردد یا دچار بیماری می‌گردد. لیکن همان‌طور که بیان گردید این گروه در اقلیت می‌باشند.

و اما در باب فورس ماژور نیز برخی از نتایج فوق مورد تأیید است بدین معنا که فورس ماژور علی‌الاصول موجب سقوط تعهد و انحلال قرارداد خواهد شد با این حال در مواردی فورس ماژور موجب براءت متعهد و انحلال قرارداد نخواهد شد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱- مواردی که متعهد به موجب قرارداد خطرات ناشی از قوه قاهره را پذیرفته باشد.
- ۲- در مواردی که قبل از بروز حادثه فورس ماژور، موعد ایفای تعهد فرا رسیده و متعهدله اجرای آن را مطالبه کرده باشد. این قاعده در حقوق فرانسه به موجب بند ۲ ماده ۱۱۳۸ و ماده ۱۳۰۲ قانون مدنی مقرر شده است.^(۵۰)
- ۳- در صورتی که فورس ماژور ناشی از تقصیر متعهد باشد، مسئولیت متعهد کماکان باقی خواهد ماند.^(۵۱)

۴- مصادیق دکتربین فراستریشن و فورس ماژور

در باب مصادیق اعمال دکتربین در حقوق انگلستان می‌توان این مصادیق را به چهار عنوان تقسیم نمود:

۱- مصادیق مادی

1- Lord Wright
2- Lord simon

۲- مصادیق شخصی

۳- مصادیق قانونی

۴- انتفاء مقصود اساسی طرفین یا عقیم ماندن هدف

مصادیق مادی اعمال دکترین فراستریشن در واقع همان مصادیق قوه قاهره می‌باشند. قوه قاهره در بردارنده معنایی عام است که واجد اوصاف خارجی بودن، مقاومت‌ناپذیر بودن و غیرقابل پیش‌بینی بودن می‌باشد. همانطور که مشاهده می‌شود عللی که واجد عنوان قوه قاهره هستند موجب می‌شوند که اجرای قرارداد از نظر مادی متعذر گردد. مصادیق مادی اعمال دکترین به انواع گوناگونی تقسیم می‌شوند. گاهی این مصادیق طبیعی هستند مانند سیل و زلزله و گاهی نیز گونه‌ای از موارد اجتماعی هستند مثل اعتصاب یا شورش در تمامی این مصادیق می‌توان عنوان فورس ماژور را بر آنها اطلاق نمود.

در نتیجه می‌توان بیان نمود که یکی از مصادیق قوه قاهره حوادث طبیعی خارج از اراده طرفین است. یکی از بازترین مصادیق اعمال دکترین تلف مورد معامله می‌باشد. مثلاً زمانی که تعهد متضمن انتقال کالایی است و کالای مزبور در نتیجه آفت سماوی تلف می‌گردد ایفاء تعهد از نظر مادی ناممکن می‌گردد. اینگونه تعذر مادی یعنی تلف مورد معامله یا موضوع تعهد بارزترین نوع عدم امکان مادی اجرای قرارداد است. در تمامی قراردادهایی که موضوع آنها انتقال کالا یا تحویل کالای معینی می‌باشد، هنگامی که کالای موضوع قرارداد به واسطه علل خارجی از بین می‌رود، تعهد به دلیل عدم امکان اجرا که جنبه فیزیکی دارد ساقط می‌شود لازم به ذکر است که در حقوق کشور انگلستان هنگامی که کالای معینی فروخته شود، تلف آن قبل از قبض و تسلیم آن به خریدار بر عهده مالک است و در نتیجه بیع منفسخ نخواهد شد و جایی برای اعمال دکترین وجود نخواهد داشت.^(۵۲) چنین حکمی در شق پنجم بخش دوم قانون اصلاح حقوق قراردادهای عقیم شده مورد تصریح قرار گرفته است.

فرض دیگری که مطرح می‌گردد عدم دسترسی به موضوع قرارداد یا وسیله اجرای قرارداد است. بدین معنا که خود موضوع قرارداد یا وسیله اجرای آن از نظر مادی کماکان موجود است لیکن قابلیت دسترسی به آنها از بین رفته است. در حقوق کشور انگلستان خروج از دسترس شخص یا چیزی که استمرار وجودش برای ایفاء قرارداد لازم است سبب اعمال دکترین می‌شود.^(۵۳)

همچنین ممکن است قراردادی به واسطه دور از دسترس بودن چیزی که وجودش برای اجرا لازم بوده است عقیم بماند اگرچه موضوعش هنوز باقی باشد. در پرونده‌ای^(۵۴) که در آن قرارداد اجاره کشتی منعقد شده بود و قبل از اینکه کشتی مذکور تحویل اجاره‌کنندگان گردد به وسیله دولت توقیف شد. قضات در این مورد اعلام نمودند که قرارداد عقیم مانده است.^(۵۵)

مصدق دیگر اعمال دکترین ناممکن شدن کار مورد تعهد است. گاهی متعذر گردیدن کاری که طی قرارداد متعهد تعهد، به انجام آن نموده است باعث می‌گردد که تعذر مادی محقق گردیده و در نتیجه دکترین اعمال شود.^(۵۶) مثلاً در پرونده‌ای^(۵۷) که در آن طی قراردادی دانه کتان فروخته شده می‌بایست در

ماه ژانویه به وسیله یک کشتی حمل می‌شد، هنگامی که کشتی مزبور به گل نشست و قادر به حرکت نبود قرارداد عقیم شده محسوب شد.^(۵۸)

همانطور که بیان گردید علل شخصی نیز یکی دیگر از مصادیق اعمال دکتترین می‌باشند. این علل خود به دو دسته علل مربوط به متعهد و علل مربوط به متعهدله تقسیم می‌شوند.

بدین توضیح که در قراردادهای دربردارنده خدمات شخصی وجود و استمرار سلامت روانی و جسمی شخص متعهد شرط اجرای قرارداد می‌باشد و در صورت عدم وجود این شرط دکتترین اعمال شده و قرارداد منحل می‌گردد.^(۵۹)

علاوه بر فوت یا حجر گاهی عدم اجرای قرارداد به دلیل توقیف یا حبس یا فراخوانده شدن به خدمت نظام است. لازم به ذکر است این موارد نیز ممکن است باعث اعمال دکتترین گردند.^(۶۰)

از طرفی گاهی اجرای قرارداد وابسته به وجود متعهدله یا مقید به استیفاء مشارالیه می‌باشد در این فرض نیز فوت یا بیماری متعهدله می‌تواند یکی از اسباب عدم امکان اجرا تلقی گردد.^(۶۱)

قسم سوم از مصادیق اعمال دکتترین مصادیق قانونی هستند. بدین معنا که بهنگام انعقاد قرارداد مانعی از جهت قانونی برای انعقاد عقد مذکور وجود ندارد ولیکن پس از انعقاد آن به نحو صحت قانون گذار قوانین جدیدی وضع می‌نماید که اجرای آن را ممنوع می‌سازد و آن را غیرقانونی اعلام می‌نماید. این در حالی است که انجام قرارداد از نظر مادی ممکن است ولی از نظر اعتباری منع شده است.^(۶۲)

و اما آخرین قسم از مصادیق اعمال دکتترین انتفای هدف اساسی انعقاد قرارداد است. در پرونده‌ای^(۶۳) خوانده آپارتمانی را به منظور تماشای مراسم تاج‌گذاری ادوارد پنجم برای چند روزی که قرار بود مراسم تاج‌گذاری در طی آن روزها صورت پذیرد اجاره نمود. مراسم به خاطر بیماری پادشاه به تعویق افتاد و قرارداد عقیم ماند. بدین توضیح که هدف مستأجر از انعقاد چنین قراردادی تماشای مراسم تاج‌گذاری بوده هرچند این هدف صریحاً در قرارداد ذکر نشده بود.

مصادیق ذکر شده همگی از مصادیق بارز اعمال دکتترین فراستریشن بودند و اما در باب مهم‌ترین مصادیق فورس ماژور مصادیق ذیل بیان گردیده است.^(۶۴)

- ۱- بلاهای طبیعی از قبیل طوفان‌های سهمگین، زمین‌لرزه، سیل و...
- ۲- جنگ و شورش و دزدی دریایی.
- ۳- آتش‌سوزی، تحریم، اعتصاب.
- ۴- اقدام مقامات دولتی.

با توجه به مطالب فوق به نظر می‌رسد دایره شمول و مصادیق دکتترین فراستریشن و فورس ماژور با یکدیگر هم‌پوشی ندارند بدین معنا که ظاهراً مصادیق اعمال دکتترین فراستریشن گسترده‌تر از مصادیق فورس ماژور می‌باشند به عبارت دیگر دکتترین مزبور اعم از فورس ماژور می‌باشد.

نتیجه گیری

همان طوری که در مقاله ذکر گردید حقوقدانان کشورهای مختلف در صورت ناممکن شدن ایفاء تعهدات به واسطه بروز حوادث ناگهانی، غیرقابل اجتناب و غیرقابل پیش بینی اقدام به ارائه نظریه های گوناگون نموده اند. از آن جمله است دکترین فراستریشن که حقوقدانان انگلیسی برای حل این مشکل ارائه داده اند. همچنین حقوقدانان فرانسوی (که بالتبع مورد پذیرش کشور ایران نیز قرار گرفته است) در این رابطه نظریه فورس ماژور را ارائه داده اند. با توجه به اینکه هدف از نگارش این مقاله دست یافتن به وجوه اشتراک و افتراق این دو نظریه و در نتیجه تمیز این دو نظریه از یکدیگر بوده است ذیلاً به اهم نتایج به دست آمده اشاره می گردد:

وجوه اشتراک

۱- در باب شرایط تحقق هر یک از نظریات فراستریشن و فورس ماژور بیان گردید که شروط مشترکی بین دو نظریه وجود دارد که برای اعمال هر یک از نظریات لازم به نظر می رسد از آن جمله است خارجی بودن حادثه ای که موجب ناممکن شدن اجرای تعهدات می گردد بدین معنا که در هر دو نظریه لازم است که تعذر حادث شده ناشی از اقدام و فعالیت خود متعهد نباشد و نباید عدم ایفاء تعهدات قابلیت استناد به متعهد را داشته باشد در غیر این صورت هیچ یک از نظریات فراستریشن و فورس ماژور اعمال نخواهد شد. همچنین یکی دیگر از شرایطی که برای تحقق هر دو نظریه لازم است غیرقابل اجتناب بودن حادثه است. بدین معنا که هر یک از نظریات زمانی اعمال می گردند که حادثه غیرقابل اجتناب باشد به نحوی که نتوان در مقابل ایستادگی نمود. به عبارت دیگر اگر متعهد قرارداد با فرض توانایی مانع تحقق حادثه نگردد کماکان مسئول اجرای تعهدات خواهد بود و دیگر امکان استناد به دکترین فراستریشن یا نظریه فورس ماژور را از دست خواهد داد.

۲- یکی دیگر از نکات مشترک بین دو نظریه آثاری است که هریک از نظریات در صورت اعمال بر قرارداد و تعهدات ناشی از آن خواهد داشت. بدین معنا که در فرضی که دکترین با اجتماع شرایط اعمال شود متعهد از انجام تعهدات قراردادی خود بری می شود و تعهدات مشارالیه ساقط گردد چراکه در عدم ایفاء تعهدات خود مرتکب تقصیر نشده است. همچنین دکترین طبق نظر اکثریت حقوقدانان انگلیس باعث انحلال قهری قرارداد می گردد بدین معنا که از تاریخ تحقق حادثه عقیم کننده قرارداد منعقد منحل شده و تعهدات ناشی از آن نیز ساقط می گردد. این در حالی است که نتایج فوق یعنی انحلال قرارداد و همچنین سقوط تعهدات آن اثرات فورس ماژور مطلق و دائمی در صورت اعمال نظریه می باشند.

وجه افتراق

۱- اولین وجه افتراق بین دو نظریه در باب شرایط لازم جهت تحقق هر یک از نظریات فراستربشن و فورس ماژور است. بدین معنا که همانطور که بیان گردید اولین و اصلی‌ترین رکن تحقق دکتربین فراستربشن وقوع تعذر است بدین توضیح که سه رکن دیگر یعنی خارجی بودن، غیرقابل اجتناب بودن و غیرقابل پیش‌بینی بودن (مطابق نظر عده‌ای از حقوقدانان) اوصاف رکن اول یعنی تعذر هستند این در حالی است که تعذر در فورس ماژور جزء شرایط اعلام شده توسط حقوقدانان نبوده بلکه اثر اجتماع شرایط سه‌گانه لازم جهت تحقق فورس ماژور، وقوع تعذر می‌باشد.

تفاوت دیگری که در شروط لازم جهت تحقق هر یک از نظریات وجود دارد این است که به اتفاق تمامی حقوقدانان غیرقابل پیش‌بینی بودن حادثه را جهت تحقق فورس ماژور لازم می‌دانند و اگر این شرط محقق نباشد فورس ماژور اعمال نخواهد شد. این در حالی است که در کشور انگلستان حقوقدانان در مورد این شرط در باب شروط لازم جهت اعمال دکتربین تردید دارند به نحوی که برخی از حقوقدانان غیرقابل پیش‌بینی بودن حادثه را جهت اعمال دکتربین لازم نمی‌دانند.

۲- تفاوت دیگری که بین این دو نظریه وجود دارد در باب آثار هر یک از نظریات است. همانطور که در وجه اشتراک بین این دو نظریه بیان گردید اثر اولیه هر دو نظریه سقوط تعهد متعهد و انحلال قهری قرارداد نسبت به آینده است. لیکن در کشور انگلستان برخی از حقوقدانان نسبت به انحلال قهری قرارداد در فرض اعمال دکتربین تردید کرده‌اند. بدین معنا که عده‌ای قلیلی از حقوقدانان حکم اولیه دکتربین را در تمامی موارد انحلال قهری نمی‌دانند و اعطاء حق فسخ را مناسب‌تر می‌دانند مانند قراردادهای استخدامی. این در حالی است که در فورس ماژور حق فسخ اعطاء خواهد شد و قرارداد منحل می‌گردد.

۳- سومین تفاوت موجود بین این دو نظریه تفاوت در مصادیق و دایره شمول هریک از نظریات است. همانطور که در مقاله بیان گردید فورس ماژور در معنای خاص خود ناظر بر علل مثبت مادی مانند سیل و زلزله است و شامل برخی از مصادیق مانند مصادیق شخصی اعمال دکتربین مثل فوت یا بیماری در قراردادهای مربوط به خدمات شخصی نمی‌شوند. در نتیجه می‌توان گفت دایره شمول دکتربین فراستربشن اعم از فورس ماژور است.

از طرفی لازم به ذکر است که هرگاه شرایط سه‌گانه فورس ماژور محقق گردند فورس ماژور اعمال خواهد شد این در حالی است که گاهی دکتربین فراستربشن حتی با اجتماع شرایط هم نسبت به برخی از قراردادهای اعمال نمی‌گردند. بدین معنا که در حقوق انگلستان محدودیت‌هایی برای اعمال دکتربین فراستربشن در نظر گرفته شده است. بدین توضیح که دکتربین در مورد قراردادهای بیمه (مطابق شق دوم از بخش پنجم قانون اصلاح قراردادهای عقیم) اعمال نخواهند شد. همچنین به موجب شق سوم بند پنجم از بخش دوم قانون مذکور کلیه قراردادهای فروشی که بخش هفتم قانون فروش کالاها حاکم بر آنهاست و نیز قراردادهایی که برای فروش منعقد می‌گردند، هنگامی که قراردادهای مزبور به دلیل تلف

کالای مورد معامله عقیم می‌ماند از شمول اعمال دکترین خارج هستند (کالای معین و تلف کالا)
همچنین اعمال دکترین در مورد قرارداد اجاره محل تردید می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

- 1- Oxford Advanced Learners dictionary, p 477.
- 2- Taylor v. Caldwell (1863) 3B.&S. 826; 122 E.R.309.
- 3- Treitel, An outline of the law of contract, Butterworth's 4thed, London 1989.
- 4- Cheshire & Fifoot, The law of contract, Butterworth's 9thed, London 1976, p 558.
- 5- Hulsburry's law of England, Vol 9, Butterworth's 4thed, London 1981, p 442.
- 6- M. Rucker, The oxford Companion to law, clarendon press, Oxford 1980, p 596.
- ۷- معین، محمد، فرهنگ فارسی، چ دوم، تهران، انتشارات بهزاد، ۱۳۸۱ ف ص ۱۹۴۲.
- ۸- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چ بیست و یکم، ۱۳۸۸، ص ۵۵۳.
- ۹- صفایی، سیدحسین، مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، مقاله قوه قاهره یا فورس ماژور، تهران، نشر میزان، چ دوم، ۱۳۸۶، ص ۳۹۵.
- ۱۰- صفایی، سیدحسین، پیشین، ص ۳۹۵.
- 11- weill (A.) , Terre(F.) , Droit civil, Les Obligations, Paris, 1980, no 412
- ۱۲- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، چ چهارم، تهران، انتشار، چ سوم، ۱۳۸۰، ص ۲۰۳.
- ۱۳- صفایی، سیدحسین، پیشین، ص ۳۹۶. همچنین رجوع شود به:
- CARBONNIER (J.), Droit civil, T.4, Obligations, 7e ed.Paris 1972, no74, p.245-weill op cit, no 412
- 14- L.B. Curzon, Dictionary of law, Longman, 6thed, 2002, p 180.
- 15- Oxford Advanced Learners dictionary, p 461.
- 16- Treitel, The law of contract, Sweet & Maxwell, 8thed, London 1991, P. 768- Cheshire & Fifoot. op.cit., p48-49.
- 17 - Paul Richard, law of contract, pearson education limited , 9 th ed, 2009,P.376- 377- Jill Poole, A Casebook on contract law, oxford university press, 9 th ed, 2008, P.562- chitty, contracts, vol 1, sweet & Maxwell, 23 th ed, London,1963.P.595- Puelinckx. A.H, Frustration, Hardship, Force majeure, Imprevison, wegfall der Geschäftsgrundlage, Unmöglichkeit, changed circumstances, Journal of intenational Arbitration, vol 3, no 2, 1986.P.56
- 18- Roebuck Derek, Law of contract, The lawbook co. Ltd, Sidney, Melborn, Brisbane, 1974, p.401- Hulsburry's Law of England vol.9.p.458.
- 19- Treitel, An outline of the Law of contract, P.298- Paul Richard, op.cit, p.337- Jill pool, op.cit, P.561

- 20- Treitel, op cit, p 823.
21- Treitel, op cit, p 822
22- Cheshire&Fifoot, op cit, p 48-49
- ۲۳- کاتوزیان، ناصر، پیشین، ش ۷۸۳.
24- Treitel, An outline of the law of contract, p289 - Cheshire&Fifoot, op cit, p 545
25- Anson Sir William, principles of the English law of contract, oxford university press, 21thed,1959,p436 -Paul Richard, op cit, p374-Jill Poole, A Casebook on contract law, oxford university press, 9 th ed, 2008, p.574-Koffman, Laurence; Macdonald, Elizabeth The Law of Contract, oxford
- ۲۶- کاتوزیان، ناصر، پیشین، ش ۷۸۹.
۲۷- کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۲۰۴.
۲۸- صفایی، سیدحسین، پیشین، ص ۴۰۶.
۲۹- کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۲۱۶.
۳۰- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، ج یک، کتابفروشی اسلامیة، چ پنجم، ۱۳۶۴، ص ۲۴۱.
۳۱- لور راسا، میشل، مسئولیت مدنی، ترجمه محمد اشتری، نشر حقوقدان، چ اول، ۱۳۷۵، ص ۱۲۷.
32- Roebuck Derek, op cit, p. 401- Halsbury's law of England, op.cit, p 458.
- ۳۳- مؤتمنی، فرامرز، عقیم شدن قراردادهای تجاری با تأکید بر حقوق انگلستان، مقاله، مجله حقوقی، ش ۱۰، ۱۳۶۸، ص ۲۸۰ و ۲۷۹.
34- Arthur Linton Corbin, Corbin on contract, vol 6, westpublishing Co, 1962. p 409.
- ۳۵- لور راسا، میشل، پیشین، ص ۱۲۷ و ۱۲۸.
۳۶- صفایی، سیدحسین، پیشین، ص ۴۰۲.
37- Treitel, op.cit, p 796.
38- Cheshire & Fifoot, op.cit, p 552-553.
39- Ibid, P 553- Hulsbury's law of England, op. cit., p 450.
- ۴۰- کاتوزیان، ناصر، پیشین، ش ۷۶۲.
41- Cheshire & Fifoot, op.cit. p 558-559.
42- Fibrosa Spoika akcyjna V. Fairbairn, Lawson Come Barbour L t Td (1942) 1 K.B.12; (1943). A.C. 32.
43- Cheshire & Fifoot, op.cit. p 558.
- ۴۴- صفایی، سیدحسین، پیشین، ص ۴۰۹.
۴۵- پیشین.
- 46- Cheshire & Fifoot, op.cit. p 559- Treitel, op.cit, 807.
47- Cheshire & Fifoot, op.cit, p 558.

48- J.C.Smith & Thomas, A Casebook on contract, Seet & Maxwell, 9thed, 1992, P 538.

49- Cheshire & Fifoot, op.cit, p 559.

صفایی، سیدحسین، پیشین، ص ۴۰۸-۵۰

۵۱- صفایی، سیدحسین، پیشین، ص ۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹.

52- Treitel, op.cit, p 768.

53- Idid, p 770.

54- Bank Line Ltd v. Arthur Capel & Co. (1919) A.C. 435.

55- Cheshire & Fifoot, op. cit. p 551.

56- Treitel, An outline of the law of Contract, p 290.

57- Nickoll & Knight v. Ashton Edridge & Co. (1901) 2K.B.126.

58- Treitel, op.cit, p 291.

59- Anson Sir William, op cit , p 430

60- Cheshire & Fifoot, p 549.

61- Treitel, The law of contract, p 769.

62- Hulsburry's law of England, op. cit, p 453.

63- Krell v. Henry (1903) 2K.B. 740.

۶۴- کلایو ام. اشمیتوف، حقوق تجارت بین‌الملل، ج اول، ترجمه بهروز اخلاقی و دیگران، تهران، سمت،

۱۳۷۸، ص ۳۱۴.